

بر روی قدرت انتقال جنس زن هم فکر کنید که چگونه اگر انسان احتیاط نکند خداوند استعدادی در زنان گذاشته که مرد را به امور جنسی منتقل می‌کنند

شماره پرسش: ۹۸۷۱

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۳/۶/۹ ۰۵:۰۰:۰۰

متن پرسش

سلام علیکم استاد گرامی: سؤالی به ذهن بنده رسیده در رابطه با اخلاق جنسی در عرفان که برای آن مبتنی بر بصیرت‌های معرفت نفس و عرفان ابن عربی پاسخی یافته‌ام که می‌خواستم به تأیید حضرت عالی برسانم. در گذشته برای بنده عجیب بود که با توجه به مهذب بودن کامل ائمه معصومین (ع) و اولیاء الهی آن‌ها این قدر در بحث روابط با نامحرم احتیاط می‌کنند. به عنوان مثال در روایات آمده که حضرت علی (ع) با آن مقام زهد و عصمت ملکوتی در خیابان به زنان جوان سلام نمی‌کردند که مبدا به گناه بیفتند. از طرف دیگر از عرفای کامل مثل آیت‌الله بهجت که مطمئناً مراتب تخلیه و تحلیه و فراتر از آن را به طور کامل طی کرده‌اند و کنترل عجیبی نیز بر خیال و هوس‌های خود دارند نقل است که ایشان حتی به بدن برهنه‌ی عروسک نگاه نمی‌کردند مبدا که وسوسه شوند! در قرآن کریم نیز آمده که حضرت یوسف (ع) در مواجهه با زلیخا اگر «برهان ربه» نبود لغزیده بود! برای بنده مدت‌ها این همه ترس و احتیاط و یا علی‌الظاهر به ذهن ناقص من متزلزل بودن این قله‌های انسانیت در برابر جلوه‌های جنس مخالف عجیب می‌نمود. تا این که اخیراً شاید بنا بر نگاه ابن عربی به زنان و تجربه‌ی شخصی خودم نکته‌ای به ذهنم رسید که شاید پاسخ این مسئله باشد. این که وقتی انسان به وحدت شهود می‌رسد و تمام هستی را آیات حق می‌بیند آن طور که با کوچک‌ترین نشانه‌ای مجذوب حق می‌شود و به اصطلاح قدرت سیر و انتقال سریع بین آیات و اسماء می‌یابد، آنگاه مواجهه با زنان آن طور که ابن عربی آنان را بالاترین جلوه‌ی جمالی الهی در ملک می‌داند ممکن است آن‌ها را چنان شیفته ظهور جمال الهی در مرآت زنان کند که یک لحظه در اثر غلبه‌ی نفس مسوله (که اسماء حق را در مرآت وهم و خیال حصر و نازل می‌کند و بدین ترتیب منشأ تمام گناهان می‌شود) یک آن نتوانند بین آن مرآت و اصل اسم تفکیک کنند و در نتیجه به سمت آن صورت و جلوه متمایل شوند و همین باعث گناه شود یعنی ادراک جمال بی‌صورت حق که در آن صورت جسمی ظهور کرده یک آن امر را بر ولی یا عارف مشتبه کند و خیال او را به سمت آن صورت برانگیزد به جای اصل اسم. اگر تحلیل بالا درست باشد یعنی نفس مسوله در عارف قوی‌تر باشد آنگاه نظر جناب صدرا که نگاه به زیبارویان از کودکان و حتی جنس مخالف را با نظر عقلی و قلبی برای عارف مجاز می‌شمارد باید مورد تأمل قرار گیرد. می‌خواستم در مورد تحلیل و گمانه‌ی بالا نظر حضرت عالی را جویا شوم. آیا نتیجه‌گیری من صحیح است که نفس مسوله در هنگام مشاهده‌ی زنان در عارف فریب‌اتر و خطرناک‌تر از انسان‌های معمولی که به ندرت قادر به نظر عقلی و قلبی به جمال زنان هستند عمل می‌کند؟ و آیا بر همین مبنا نظر جناب

صدرا که ظاهر آن مخالف نظر شریعت نیز هست رد نمی‌شود؟ تا باز به این نتیجه برسیم که زنده باد شریعت محمدی که ورای جهدهای عقلی و سلوکی حکماء و عرفاء تا چه ظرائف و دقایقی را مد نظر قرار داده؟ با تشکر از حسن امتنان استاد فرهیخته

متن پاسخ

سمه تعالی: سلام علیکم. بر روی قدرت انتقال جنس زن هم فکر کنید که چگونه اگر انسان احتیاط نکند خداوند استعدادی در زنان گذاشته که مرد را به امور جنسی منتقل می‌کنند و باید سالک عارف جهت باقی‌ماندن در فضای اتصال و شهود، مواظب باشد با نامحرم مرتبط نباشد. ولی بحث ملاصدرا سخت تخصصی است و اگر کسی از ابتدا تا انتهای سخن او را دنبال کند هرگز مباحث جنسی به ذهنش نمی‌آید. بحث شمایل محبوب همراه با عشق عفیف که ملاصدرا می‌گوید، غیر از صورت جنسی و میل نفس اماره است. موفق باشید